

خطر شکل‌گیری دوقطبی حجاب

26 تیر 1401

برای ترویج حجاب، باید قدم‌مشترک موجود بین علمای دینی را به عنوان حجاب در جامعه مطرح کرد.

مهدی بیک اوغلی / ایجاد «دو قطبی»‌های مخرب در جامعه خطری است که همواره بزرگان و دلسوزان کشور نسبت به احتمال وقوع آن هشدار می‌دهند. فرقی نمی‌کند این دو قطبی‌سازی در حوزه مسائل سیاسی و بحث انتخابات ظهور و بروز پیدا کند یا در بخش‌های فرهنگی و اجتماعی و رفتاری. حتی در عرصه ورزش که محل شکل‌گیری دوقطبی‌های رادیکال است نیز تلاش می‌شود تا فوتبال یک کشور از دوقطبی‌های مرسوم، فاصله گرفته و چندقطبی ایجاد شود. اما اخیراً افزایش برخی رفتارهای تند در برخورد با مقوله حجاب زنان و افزایش گشت‌های ارشاد باعث شکل‌گیری یک دوقطبی خطرناک در جامعه شده است که در یک‌سوی آن طرفداران حجاب حداکثری و در نقطه دیگر، طیف وسیعی از زنان جامعه قرار گرفته‌اند که به گونه‌ای دیگر می‌اندیشند. در میان این دو طیف اما تحلیلگران، اساتید دانشگاه و صاحب‌نظران قرار دارند که معتقدند حجاب، یک امر دینی، فرهنگی و اخلاقی است و باید از طریق روش‌های نرم فرهنگی و رسانه‌ای ترویج و تشویق شود.

روز گذشته ویدیویی در شبکه‌های اجتماعی دست به دست چرخید که در آن دو گروه از بانوان ایرانی در یکی از اتوبوس‌های BRT در شهر تهران بر سر حجاب به نزاع و درگیری با هم پرداخته و صحنه‌های عجیبی را رقم زدند. صحنه‌هایی که نشان می‌داد، ایجاد دوقطبی درخصوص یک مقوله فرهنگی، رفتاری و اجتماعی، کار را به جایی رسانده که مردم در کف خیابان با رادیکال‌ترین روش‌های ممکن تلاش می‌کنند، دیدگاه خود را به طرف مقابل بقبولانند.

صدیقه شکوری‌راد، عضو هیات علمی [دانشگاه تهران](#) یکی از چهره‌هایی است که با استفاده از سال‌ها تحصیل، تحقیق و پژوهش معتقد است، ایجاد دوقطبی فعلی درخصوص حجاب در ادامه جامعه را با شکاف‌های عمیقی مواجه می‌کند که جز ویرانگری و رادیکالیسم، نتیجه‌ای به دنبال نخواهد داشت. او با اشاره به این واقعیت که برای ترویج یک امر فرهنگی باید با زبان و ابزارهای مناسب با آن اقدام کرد، ابزار ترویج حجاب را روش‌های رسانه‌ای، هنری و فرهنگی ارزیابی می‌کند.

اخیراً به نظر می‌رسد، یک دوقطبی خطرناک درخصوص [حجاب](#) در فضای عمومی جامعه شکل گرفته است. برخی معتقدند برای ترویج و تشویق مردم به استفاده از حجاب باید از روش‌های نرم، رسانه‌ای و فرهنگی استفاده شود، نه گشت‌های ارشاد و بگیر و ببند. نظر شما به عنوان یک فعال مسائل زنان و استاد دانشگاه در این زمینه چیست؟

متأسفانه مساله حجاب در جامعه ایرانی به یک کلاف سر در گم بدل شده است. بنا به دلایل گوناگون مساله حجاب در ایران به یک مساله سیاسی بدل شده است که تصمیم‌گیری عاقلانه درخصوص آن را دشوار می‌کند. یک نوع حجاب خاص (چادر مشکی و...) در ایران به یک نماد بدل شده تا از طریق آن اسلامی بودن جامعه ایران نمایان شود. در واقع تمایز ایران با سایر کشورهای اسلامی و غیر اسلامی به

این نوع پوشش مرتبط شده و مسوولان کشور گمان می‌کنند هر نوع تغییر در این وضعیت، به معنای تغییر در کل ساختار سیاسی است.

این در حالی است که در بسیاری از کشورهای اسلامی چنین نگاهی به مقوله حجاب وجود ندارد و حجاب نقشی سیاسی در این جوامع ندارد. در بسیاری از کشورهای اسلامی، اتباع سایر کشورهای غیرمسلمان می‌توانند با حجاب موردنظر خود تردد کنند، ضمن اینکه نگاه به پوشش زنان حداکثری نیست.

اما آیا این رویکرد باعث افزایش اقبال عمومی نسل‌های ایران به امر حجاب شده است؟

واقعیت‌های اجتماعی و تجربه‌های سیاسی و تاریخی همه جوامع نشان می‌دهد از طریق اجبار، دستور و بخشنامه نمی‌توان یک گزاره فرهنگی، اجتماعی و حتی اقتصادی را نهادینه کرد. حتی عالمان علوم اقتصادی، تاکید دارند، با بخشنامه، دستور و زور نمی‌توان نظم و نظامات بازارها را کنترل کرد. وقتی بازارها را به عنوان یک اکوسیستم، نمی‌توان از طریق زور و بخشنامه، کنترل کرد، طبیعی است که فضاي عمومی يك جامعه زنده را نیز نمی‌توان از طریق زور، گشت ارشاد و دستور وادار به انجام کاری کرد.

اتفاقا در تاریخ معاصر ایران، نمونه‌های متعددی از شکست رفتارهای سلبی با مقولات فرهنگی وجود دارد. رضاشاه به دنبال این بود که از طریق برداشتن حجاب از سر زنان، ایران را در مسیر توسعه، تجدد و صنعتی شدن! قرار دهد؛ در هر کوی و برزن و میدانی مامورانی به کار گماشته شدند تا زنان را از داشتن حجاب منع کرده و پوشش مورد نظر [شاه پهلوی](#) را ترویج کنند. مادر بزرگ من تعریف می‌کرد، زمانی که رضاشاه حکم به کشف حجاب داد، دختران ایرانی تقریباً در خانه‌ها حبس شدند. دخترانی ایرانی که پیش از این حکم، درس می‌خواندند و به مدرسه می‌رفتند، حتی برای دید و بازدید اقوام و آشنایان خود با مشکل مواجه شدند. در واقع قانونی که قرار بود باعث پیشرفت زنان شود، باعث زندانی شدن زنان شد. در آینده هم پوچی این قانون ثابت و در دوره پهلوی دوم این قانون بی‌سر و صدا کنار گذاشته شد. روی دیگر این نوع رفتار سلبی، ترویج حجاب به صورت اجباری، دستوری و خشن است.



برخی اشاره می‌کنند که سلامت اجتماعی تنها از طریق حجاب زنان محقق می‌شود. این گزاره به نظر شما درست است. سالم‌سازی جامعه تنها وظیفه زنان است؟

من با این گزاره مخالفم، نباید سلامت اجتماعی را برابر با حجاب داشتن زنان دید. در سلامت جامعه،

هم زنان و هم مردان نقش دارند. ضمن اینکه آثار برآمده از حجاب اجباري، حاكي از ضرورت اصلاح روش‌هاست. 44 سال از انقلاب مي‌گذرد. بسياري از دختران نسل انقلاب (مثل من و هم‌نسلان من) با انقلاب محجبه شدند و هنوز هم محجبه مانده‌اند. اما بسياري از دختراني كه در دوران انقلاب متولد شده‌اند، اعتقادي به حجاب ندارند. اين گزاره چه مي‌گويد؟ يعني اينكه روش‌هاي تند و دستوري و اجباري باعث شكل‌گيري مقاومت مي‌شود. حتي در بسياري از خانواده‌هاي مذهبي، شاهد فرزنداني هستيم كه با حجاب مخالفند. بسياري از چهره‌هاي سياسي كه رفتارهاي راديكال درخصوص حجاب داشتند، فرزندان كم حجاب (اگر نگويم بي‌حجاب) دارند كه امروز در زمينه مدلينگ فعاليت مي‌كنند. ذات انسان اين‌گونه است كه در برابر اجبار مقاومت مي‌كند. اگر فرهنگ‌سازي حجاب از ابتدائي انقلاب به درستي صورت گرفته بود و به جاي اجبار از روش‌هاي نرم، رسانه‌اي و هنري استفاده مي‌شد، امروز شرايط جامعه اين‌گونه نبود. رويكردهاي اجباري به گونه‌اي ارايه شد كه حتي در زمان پيامبر هم اين‌گونه رفتار نمي‌شد. در زمان پيامبر اكرم (ص) زناني كه مسلمان نبودند، حجاب نداشتند. اساسا در آن ايام كنيزان حجاب نداشتند. (موضوعي كه امام (ره) در وسيله‌النجات به آن اشاره کرده‌اند) اما در ايران برخي حتي از احكام اسلام نيز پيش افتاده‌اند.

فارغ از واقعيت كه حجاب يك امر ديني است كه جامعه را از ناهنجاري‌ها باز مي‌دارد، آيا ميدان گفت‌وگو درخصوص حجاب، كف جامعه است يا در محيط‌هاي رسانه‌اي، دانشگاه‌ها و مراكز تحقيقاتي؟

اگر به حجاب به عنوان يك پديدار مهم اجتماعي نگاه شود، محل بحث و تبادل‌نظر درخصوص آن محيط‌هاي دانشگاهي، رسانه‌ها و كرسي‌هاي آزدانديشي است. اينكه دو قطبي باحجاب و بي‌حجاب شكل بگيرد و به سطوح ميداني جامعه كشانده شود، باعث شكل‌گيري تصاويري از جنس تصاويري كه امروز در شبكه‌هاي اجتماعي ديديم، مي‌شود. دو گروه در اتوبوس درون شهري ناگهان با هم درگير مي‌شوند و همدگر را مي‌زنند. شما ببينيد در همين هفته كه با عنوان هفته عفاف و حجاب، نام گرفته، كدام بحث قوي و علمي با حضور طرف‌هاي موافق و مخالف در صدا و سيما، محيط‌هاي دانشگاهي و رسانه‌اي شكل گرفته است. يكسري محتواي غيرعلمي و سطحي با صرف هزينه‌هاي ميلياردي ترويج مي‌شود، بدون اينكه موضوع از منظر علمي و آكادميك بررسي شود.

اما چطور مي‌شود اين دو قطبي‌سازي را درخصوص حجاب متوقف ساخت؟

مساله اين است كه حجاب از موضوعي اعتقادي به يك گزاره سياسي بدل شده است. مردم هم (درست يا غلط) احساس مي‌كنند، سيستم از طريق دستور و بخشنامه و جريمه قصد دارد يك شكل مشخص از حجاب را ترويج كند. اما بايد محيط‌هاي رسانه‌اي و علمي کشور به صحنه تضارب آرا بدل شود. عالمان علوم ديني، متخصصان جامعه‌شناسي، روانشناسان و... بايد در اين خصوص به بحث و تبادل نظر پردازند. از سوي ديگر، برخي افراد راديكال، حجاب را به شكلي طرح کرده‌اند كه حتي بيشتري از شيوه‌ها ابتدائي اسلام است. عنوان مي‌شود زن‌ها بايد چادر مشكي سر كنند، زير چادر هم مانتوي مشكي يا سرمه‌اي تن كنند، هر نوع پارچه رنگ روشني را هم تبرج محسوب مي‌كنند. اين در حالي است كه هيچ كدام از اين بايدها در صدر اسلام مطرح نبوده است. حتي براي ترويج حجاب، بايد قدرمشتك موجود بين علماي ديني را به عنوان حجاب در جامعه مطرح كرد، اما برخي گروه‌هاي سياسي، ديدگاه‌هاي حداكثري گروه‌اي از علماي خاص را مبنا قرار داده‌اند.

اين نگاه سياسي حداكثري تا چه اندازه به مسير رشد زنان در حوزه‌هاي مديريتي آسيب زده است؟
اين روند باعث شده تا برخي زنان داراي صلاحيت نتوانند در عرصه‌هاي مديريتي سطح بالا حضور

داشته باشند. يك زن به دليل اعتقاد خاصي كه نسبت به پوشش دارد و اين نگاه با نگاه حداكثري برخي جريان‌ها تفاوت دارد، نمي‌تواند وارد عرصه سياسي و مديريتي کشور شود. بايد توجه داشت اكثريت دختران و زنان ايراني به حجاب اعتقاد دارند، مخالفت‌ها نسبت به دیدگاه‌هاي افراطي است. از سوي ديگر بايد توجه داشت، حجاب امري عرفي است. خاطرم هست در سال‌هاي ابتدائي انقلاب داستاني براي ما تعريف مي‌شد كه يكي از زنان کشور با **امام (ره)** دیدار مي‌کنند كه بلوز و دامن و جوراب رنگ پا پوشيده بودند و يك روسري کوتاه هم داشتند، اين زن از امام(ره) پرسیده بود آیا اين حجاب قابل قبول است؟ امام(ره) هم اشاره کرده بودند كه بله اين حجاب كامل است.

عباس عبيدي هم اخيرا اشاره کرده كه براساس برخي فتاوا پوشش مرد به اندازه‌اي است كه عورت او را بپوشاند و بعد تاكيد داشتند كه مردها براساس عرف جامعه، خود را بيشتري از اين بايدها مي‌پوشانند. آقاي عبيدي معتقد بودند درباره زنان هم اگر عرفي نگاه شود، بانوان براساس عرف جامعه پوشش مناسبی را انتخاب مي‌کنند.

دکتر کبری درویش پیشه
مرکز مشاوره
حال خوب
ازدواج ، طلاق ، خانواده ، تحصیلی
قزوین ، خیابان شهید بابایی، مقابل دادگستری قزوین
۰۹۱۰۲۹۰۴۷۵۸
باتعین وقت قبلی ۰۲۸۳۳۶۷۲۷۵۰

من هم موافقم، البته همواره در هر جامعه‌اي ممکن است برخي جريانات هنجارشکن داشته باشند، اما اكثريت قريب به اتفاق مردم ايران به اخلاقيات پايبندي دارند. اساسا هر انساني به دنبال امنيت بيشتري است، اگر به زنان ايراني اجازه داده شود كه مبتني بر اعتقادات خود و عرف جامعه پوشش داشته باشند، شك نكنيد كه جامعه تفاوتی با شرايط امروز نخواهد داشت و حتي در برخي جهات بهتر هم خواهد شد. حتي در کشورهای غربي هم براساس عرف در مکان‌هاي مختلف لباس انتخاب مي‌کنند، هيچ كس در محيط كار خود لباسی را كه در پارتي مي‌پوشد به تن نمي‌کند. در صورت دادن آزادي، زنان ايراني بي‌گدار به آب نمي‌زنند و بعد از مدتي فضاي تعليق، جامعه نقطه ثقل اخلاقي خود را پيدا مي‌کند. در متون ديني و تاريخي هم هيچ جا اشاره نشده كه پيامبر به اجبار حجاب را ترويج کرده‌اند. تا سال هشتم هجري كه آيات حجاب نازل شد، زنان براساس عرف و به شيوه‌اي اخلاقي پوشش مناسبی داشتند و بعد از نزول آيات حجاب هم تغيير بنياديني ايجاد نشد.

آيت‌الله هاشمي رفسنجاني معتقد بودند راه‌حل باز كردن برخي گره‌هاي خاص در جامعه ايراني در حوزه مسائل خاص سياسي، اجتماعي، فرهنگي و... در فقه پوياست. فكر مي‌کنيد، موضوع حجاب را نيز مي‌توان از اين طريق حل و فصل کرد؟

آيت‌الله هاشمي رفسنجاني انجام مي‌دادند، آيت‌الله مطهري در كتاب «اسلام و مقتضات زمان» و «حقوق زن در اسلام» اين مسائل را طرح مي‌کردند كه چه راهکارهايي در فقه و دين اسلام وجود دارند كه اين فرصت را مي‌دهد كه احكام را بر اساس مقتضيات فرهنگي، اجتماعي و سياسي به‌روزآوري كنيم. از اين ظرفيت‌ها بايد استفاده شود و به تناسب موقعيت و نقشي كه زنان دارند، احكام را به‌روزآوري كنيم.

نقشي كه امروز زن در خانواده دارد و همراه با مرد در فرآيند نان آوري مشاركت مي كند با شرايط گذشته متفاوت است. وضعيت اقتصادي به گونه اي است كه اگر زنان در روند كسب درآمد نقش آفريني نکنند، چرخ معيشت خانواده ها به گردش نمي آيد. براساس اين تغييرات بايد درخصوص به روزآوري احكام نيز اقدام كرد و در بخش هايي چون ارث زنان، شهادت زنان، پوشش زنان، حضانت فرزندان و... نگاه نويني را جاري و ساري ساخت. در قرآن نيز خداوند از فرزندان انسان مي خواهد كه مدام نگويد كه چون پدران خود را به روشي يافته او نيز بر همان روش قدم گذاشته است. خداوند انسان را به فرزند زمان خود بودن و استفاده از عقلانيت و تفكر فرامي خواند. اگر بدانيم.

*اعتماد/ شماره 5257/ يكشنبه ۲۶ تير